

# گردشگری بدون برنامه در مرنجاب

مینو حسینی

این روزها نام مرنجاب برای همه طبیعت گردان و سفر دوستان بسیار آشناست. یک مقصد کویری نزدیک به پایتخت که سر زدن به آن نه وقت زیادی می طلبد و نه هزینه زیاد. کافی است که یک پنجشنبه پاییزی تصمیم بگیرید که شب را زیر آسمان پرستاره در گوشه‌ای از دشت کویر بخوابید. جایی که اتفاقاً هم جاده دسترسی مناسبی دارد و هم امکانات تقریباً خوب مثل آب آشامیدنی، توالت و در صورت لزوم سرپناهی به نام کاروانسرای عباسی. اما سوال این جاست که برای تبدیل شدن مرنجاب به یک مقصد گردشگری طبیعی چه قدر مطالعه شده و آیا هیچ برنامه‌ریزی برای روند رشد این مقصد وجود داشته است؟

ده سال قبل کمتر کسی نام مرنجاب را شنیده بود و اصولاً می‌دانست که مرنجاب کجاست، در نتیجه همه چیز به خوبی پیش می‌رفت. محلی‌ها شترهای خود را برای نوشیدن آب به چشمه نزدیک کاروانسرا می‌آوردند و خود در پناه سایه درختان کویری استراحت می‌کردند. رمل‌های (تپه‌های شن‌ها روان) پانخورده به رقص آرام خود با باد مشغول بودند و کسی هندسه منظم پلی‌گون‌های دریاچه نمک را لگد نمی‌کرد و تکه‌ای را با خود به یادگار به خانه نمی‌برد و هیچ کس اعتقادات مردم محلی را نسبت به چاه دستکن به سخره نمی‌گرفت و بلندبلند نمی‌خندید. از همه مهم‌تر پهنای باشکوه و اسرارآمیز کویر حجم عظیمی از بطری‌ها و شیشه‌های خالی نوشابه‌ها، پوست چیپس و پفک، ظروف یکبار مصرف غذا، انواع پلاستیک و... لکه‌دار نشده بود. اما تمام این تغییرات در طی کمتر از ده سال در منطقه کویری مرنجاب اتفاق افتاد. یعنی دقیقاً اندکی پس از این که مرنجاب به عنوان یک نقطه زیبا و بکر گردشگری به آژانس‌ها و راهنمایان تور معرفی شد و گردشگران راه دسترسی به کاروانسرا را یاد گرفتند. برخلاف آن چه که امروزه از صنعت گردشگری انتظار می‌رود، جریان رفت و آمد گروه‌ها و تورهای مختلف که عمدتاً از استان‌های تهران و اصفهان هستند در کمتر از یک دهه ظاهرو بی‌شک زوایای پنهان مرنجاب را بسیار تحت تأثیر قرار داده و تخریب کرده است. کافی است آخر هفته سری به مرنجاب بزنید. آن چه در وهله اول برایتان جلب توجه می‌کند جمعیت گردشگر خارج از ظرفیت تحمل مرنجاب است. جمعیتی که حق خود می‌داند هرطور که دوست دارد رفتار و سروصدا کند (مهم نیست چه ساعتی از شبانه‌روز است) و سکوت را که مهم‌ترین جذابیت کویری است بشکنند، چادرهای خود را هر جا که بخواهد (بدون در نظر داشتن اصول امنیتی برای خودشان و نکات حفاظتی برای طبیعت) برپا کند و دست آخر هم زباله‌های خود را بگذارد و برود تا دست باد آن‌ها را به هر جای کویر برساند. این گوشه‌ای است از وضعیت گردشگری در سایت کویری مرنجاب. قبل از معرفی یک سایت به عموم مردم و گشودن درب‌های آن بر روی گردشگر باید مطالعات، برنامه‌ریزی و پیش‌بینی‌های لازم انجام شده باشد و در حین بهره‌برداری از سایت نیز لازم است که از علوم مدیریتی استفاده شده و ارزیابی‌های چند جانبه صورت گیرد. مرنجاب نمونه‌ای از چند صد سایت گردشگری طبیعی ماست که در مراحل بهره‌برداری و توسعه آن چیزی به نام برنامه‌ریزی گردشگری وجود نداشته و اگر هم داشته اجرای آن بی‌شک موفقیت‌آمیز نبوده. همان کاشفانی که به اصطلاح بهشت گمشده مرنجاب و یا نقاط مشابه را کشف کردند و در بوق و کرنا، گرای آن را به جامعه به ظاهر طبیعت‌دوست ایرانی دادند اولین و مهم‌ترین قدم اشتباه را برداشتند. چرا که ایجاد زیرساخت‌های مادی در منطقه و فرهنگی در ذهن جوامع میهمان و میزبان باید قبل از شناساندن جاذبه و ورود گردشگر به سایت صورت گیرد. تا به حال کسی پرسیده که سیستم دفع فاضلاب در دل کویر چگونه است و یا این که آیا زباله‌های پراکنده در بیابان جمع‌آوری و اصولاً چگونه و کجا دفع می‌شوند. با این روند عمر سایت مرنجاب و جذابیت آن برای گردشگران تا چند سال آینده خواهد بود؟ متأسفانه این جریان مخرب همچنان ادامه دارد. یعنی بدون در نظر داشتن اهداف مشخصی، سایت‌های بکر را معرفی می‌کنیم و از آن‌ها تنگه‌واشی دیگر می‌سازیم. اما جلو ضرر را از هر جا بشود گرفت منفعت است. بهره‌گیری از کارشناسان محیط زیست و گردشگری و برنامه‌ریزی قبل از ورود گردشگر و از همه مهم‌تر تعیین کردن مدیریتی لایق و متخصص برای هر سایت از اصلی‌ترین اقدامات است. گردشگری در ایران باید هر چه زودتر در قالب علمی و کارشناسی قرار گیرد تا بتوان از تخریب هر چه بیش‌تر مرنجاب‌ها جلوگیری کرد. تجارب تلخ بعضی کشورهای دیگر و از دست رفتن منابع گردشگری آن‌ها برای همیشه زنگ خطری است برای ما که تازه ابتدای راه این صنعت هستیم.

تفریحی